

از موانع رشد و سازماندهی جنبش زنان

خرداد 1388 ساعت 09:51 11

سهیلا وحدتی

http://www.iranngos.info/index.php?option=com_content&task=view&id=20&Itemid=107

درک نادرست از «سازمان غیردولتی»

امروزه در سطح جهان، سازمان های غیر دولتی ابزار موثری در مشارکت زنان در امر توسعه و مبارزات آنان برای کسب حقوق خویش هستند. از اواسط دهه ۱۹۷۰، با آغاز «دهه زنان» و توجه جدی سازمان ملل به اهمیت مشارکت زنان در امر توسعه و دموکراسی، رشد سازمان های غیردولتی زنان در جهان بشدت افزایش یافته است. هم اکنون در کشورهای در حال توسعه هزاران سازمان غیردولتی در سطح ملی، و صدها هزار در سطوح محلی به فعالیت مشغول هستند.

عبارت «سازمان غیر دولتی» پس از تاسیس سازمان ملل متحد رواج گسترده یافت. در منشورسازمان ملل متحد حقوق ویژه برای حضور و اظهار نظر سازمان های بین المللی خصوصی، افزون بر سازمان های ویژه همکاری بین دولتی و به صورت متمایز مورد نظر قرار می گیرد. سازمان غیر دولتی به نهادی اطلاق می شود که مستقل از دولت بوده و تحت کنترل و اداره دولت نیست و همچنین برنامه سیاسی برای کسب قدرت یا مقابله با دولت ندارد.

به گفته بانک جهانی، سازمان های غیر دولتی در چند دهه اخیر نقش عمده ای در توسعه جهانی ایفا نموده اند. ۵ درصد از کمک های مالی غرب به منظور توسعه از طریق سازمان های غیر دولتی به کشورهای در حال توسعه راه می یابد. (۱) اتحادیه اروپا سالانه مبلغی در حدود یک بلیون یورو به سازمان های غیردولتی اختصاص می دهد. (۲)

سازمان های غیردولتی بخشی از جنبش های اجتماعی و جامعه مدنی هستند. جامعه مدنی در مفهوم وسیع آن شامل همه فعالیت های اجتماعی توسط افراد، گروه ها و جنبش ها می شود. در واقع می توان گفت که جامعه از سه بخش تشکیل می شود: دولتی، خصوصی و جامعه مدنی، و سازمان های غیردولتی نقش عمده ای در رشد و سازماندهی جامعه مدنی ایفا می کنند. (۳)

حوزه عمل سازمان های غیردولتی می تواند محلی، ملی و یا بین المللی باشد. سازمان های محلی در حوزه عمل جغرافیایی محدود و در رابطه با جمعیت محدودی به کار مشغول هستند. سازمان های ملی در سطح یک کشور و سازمان های بین المللی در سطح منطقه، قاره و یا

جهان فعالیت می کنند. در گذشته نقش سازمان های بین المللی در توسعه عمده بود، اما با رشد فرهنگ و آگاهی عمومی از نقش پراهمیت این سازمان ها، رشد آنها در سطح محلی و ملی فزونی یافته است. در سال ۱۹۹۴، کمک های بانک جهانی به سازمان های غیردولتی به این شرح بود: ۴۰ درصد به سازمان های محلی، ۷۰ درصد به سازمان های ملی، و ۱۰ درصد به سازمان های بین المللی (1)

تعریف «سازمان غیردولتی»

بانک جهانی «سازمان غیردولتی» را چنین تعریف می نماید "سازمان های خصوصی که فعالیت هایی را در راستای التیام رنج، افزایش منافع مردم فقیر، حفاظت از محیط زیست، فراهم نمودن اساسی ترین خدمات اجتماعی، یا توسعه اجتماعی دنبال می نمایند." در مفهوم گسترده تر اما این عنوان برای هر سازمان غیرانتفاعی که مستقل از دولت است، بکار برده می شود. (1)

اتحادیه اروپا درباره «سازمان غیردولتی» چنین بحث می کند که (2)

"سازمان های غیردولتی برای سود شخصی تشکیل نشده اند. اگر چه ممکن است کارمندان حقوق بگیر داشته باشند و در فعالیت های سود آور شرکت نمایند، اما سود یا مازاد حاصله را بین اعضا و مدیران پخش نمی کنند.

• سازمان های غیردولتی داوطلبانه هستند. یعنی اینکه آنها بصورت داوطلبانه تشکیل یافته اند و معمولاً عنصر مشارکت داوطلبانه در سازمان وجود دارد.

• سازمان های غیردولتی از سازمان های غیررسمی و یا گروه های جمعی که براساس نیاز فوری تشکیل می شوند، متمایز هستند زیرا که تا حدودی رسمی و سازماندهی شده می باشند. معمولاً سازمان های غیردولتی دارای مقررات سازمانی بوده و تعریف رسمی از اهداف، شیوه های عمل و حوزه کار خویش دارند. آنها در مقابل اعضا و کسانی که به آنها کمک مالی می کنند، پاسخگو هستند.

• سازمان های غیر دولتی مستقل هستند، بویژه از دولت و دیگر مقامات اجتماعی و احزاب سیاسی یا سازمان های بازرگانی.

• سازمان های غیردولتی در راستای اهداف و ارزش های مربوط به منافع خود خدمت نمی کنند. بلکه اهداف آنها خدمت در حوزه وسیع تر اجتماعی است و در امور بهبود وضعیت مردم، به نفع گروه های مشخصی از مردم و یا همه اجتماع فعالیت می کنند. آنها به دنبال منافع

حرفه ای یا تجاری اعضای خود نیستند."

اما مرکز امور مشارکت زنان، که نهادی وابسته به دفتر ریاست جمهوری است، چنین تعریفی از «سازمان غیردولتی» دارد: (4)

" سازمان غیردولتی زنان متشکل از گروهی از زنان داوطلب و هم هدف است که بدون وابستگی به دولت، به صورت غیرسیاسی، غیرانتفاعی و عام المنفعه، با تشکیلات سازمان یافته در جهت اهداف و موضوعات متنوع فرهنگی، اجتماعی، تحقیقاتی - تخصصی، صنفی و غیره فعالیت می نماید. "

این تعریف سازمان غیر دولتی را فقط گروهی از «زنان داوطلب» می داند که ظاهراً در اوقات فراغت خویش «تشکیلات سازمان یافته» را تاسیس و اداره می کنند. به عبارت دیگر، حضور کارمندان حقوق بگیر و نیروی کار غیرداوطلب در سازمان های غیردولتی زنان نفی می شود. اگر قرار نیست به کسی در سازمان غیردولتی حقوقی پرداخت شود، می توان نتیجه گرفت که نیازی به سرمایه برای تشکیل سازمان غیردولتی نیست. به همین ترتیب، ضرورتی برای فعالیت سازمان غیردولتی در جهت جلب کمک های مالی احساس نمی شود مگر آنکه سازمان پروژه های خاصی برای اجرا داشته باشد که برای تامین هزینه پروژه نیاز به سرمایه و کمک مالی پیدا کند.

روشن است که سازمانی که فقط با نیروی داوطلب فعالیت می کند، هرگز نمی تواند در برنامه ریزی های خود پروژه های جدی را در دستور کار قرار دهد. به همین ترتیب نیاز سازمان به کمک مالی برای تامین هزینه نیز همیشه بصورت حداقل باقی خواهد ماند. و چرخه نیروی داوطلب و بودجه ناچیز ادامه خواهد یافت. از سوی دیگر، باید واقعیت ها را در نظر گرفت: نیروی داوطلب عموماً نیروی غیرتخصصی است. نیروی تخصصی داوطلب بسیار محدود است. گذشته از آن، سازماندهی و استفاده موثر از نیروی تخصصی داوطلب مستلزم برنامه ریزی و به نوعی پیش هزینه کردن نیروی غیر تخصصی است. به بیان دیگر، استفاده از نیروی تخصصی داوطلب مستلزم داشتن ساختار منظم سازمانی است، و این ساختار منظم سازمانی به نوبه خود نیازمند نیروی انسانی حقوق بگیر است که بطور منظم مشغول به کار باشد.

افزون برآن، تعداد ساعت های کار هر داوطلب بسیار محدود است زیرا برای اکثر قریب به اتفاق افراد مسئولیت های شغلی و خانوادگی در اولویت قرار دارد و کار داوطلبانه یک کار جنبی است. گذشته از آن، تغییرات در زندگی شخصی یا شغلی داوطلب می تواند در میزان کمک داوطلبانه بشدت تاثیرگذار بوده و آن را کاهش دهد. اداره یک سازمان غیر دولتی که

مایل است در امر توسعه مشارکتی سهمی داشته و بطور جدی ایفای نقش نماید، نمی تواند تنها توسط نیروی داوطلب بنیانگذار سازمان انجام شود.

باید به این نکته مهم توجه داشت که حتی گسترش نیروی انسانی داوطلب مستلزم کار جدی و تبلیغات و آگاهی رسانی است. یعنی اینکه جذب افراد جدید به کار داوطلبانه نیز نیازمند کار جدی و منظم است و حتی این کار نیز بدون تکیه بر نیروی انسانی حقوق بگیر امکان پذیر نیست.

آیا مرکز امور مشارکت زنان، که تعداد روز افزون سازمان‌های غیردولتی زنان را به حق دستاورد مثبتی برای جامعه مدنی می داند، به حوزه عمل این سازمان ها نیز بها می دهد؟ آیا حوزه عمل این سازمان های کوچک متشکل از چند داوطلب تا چه حد می تواند گسترش داشته باشد؟ و آیا این سازمان ها بدون ساختار سازمانی منظم تا چه حد می توانند سهم جدی در توسعه اجتماعی داشته باشند؟

برای اداره یک سازمان غیردولتی که بتواند رشد نموده و مثلا در سطح چند شهر - نمی گوئیم در سطح ملی- فعال باشد، مدیریت و حسابداری و تبلیغات و ... ضروری است. تضمینی وجود ندارد که در میان «گروهی از زنان داوطلب و هم هدف» بتوان مدیر و مسئولین اجرایی یافت، اما این گروه زنان داوطلب، هسته تشکیل دهنده سازمان غیردولتی بوده و با جلب کمک مالی از سوی دیگران، مانند افراد و دولت و نهادهای خصوصی و بین المللی، می‌توانند مدیر و مسئولین اجرایی استخدام نموده و فعالیت جدی خود را در امر آگاه سازی عمومی یا انجام پروژه های گوناگون آغاز نمایند. درکنار کارمندان اصلی، نیروی داوطلب می تواند زیر نظر مدیریت گسترش یافته و دارای بازدهی باشد. اما در این صورت سازمان غیردولتی تنها متشکل از چند زن داوطلب نخواهد بود، بلکه چنین سازمانی از چند زن داوطلب آغاز می شود و به سازمانی منسجم و گسترده متشکل از کارمندان و افراد داوطلب فرا می روید. روشن نیست که آیا مرکز امور مشارکت زنان اصولا چشم اندازی برای رشد و گسترش سازمان های غیردولتی در نظر داشته باشد.

تکیه بر «داوطلبانه» بودن نیروی انسانی در سازمان های غیر دولتی، در واقع سد رشد این سازمان‌هاست و بشدت جلوی رشد آنها را می گیرد و مانع از توانایی آنها برای بسیج نیروی انسانی داوطلب در سطح گسترده و انجام پروژه های جدی در جامعه مدنی می‌گردد. به بیان دیگر، سازمانی که فقط و فقط بر نیروی داوطلب استوار است، رشد نمی یابد و گسترش پیدا نمی کند. این واقعیت حتی در مورد عدم توانایی سازمان در افزایش نیروی داوطلب نیز مصداق دارد.

تاکید بر «کمک های مردمی» و هراس سازمان‌های غیردولتی از کمک هایی که توسط دولت یا نهادهای بین المللی فراهم می گردد، عامل دیگری در ممانعت از رشد و سازماندهی سازمان های غیردولتی در ایران است. البته دولت و حتی دولت اصلاحات نیز چندان بخشندگی نسبت به سازمان های غیردولتی از خود نشان نداده اند. سازمان های غیردولتی مذهبی، از جمله حوزه های خواهران، از همه‌گونه کمک های دولتی برخوردارند، اما دیگر سازمان های غیردولتی، از جمله سازمان های غیردولتی زنان، مورد تبعیض قرار می گیرند.

اگرچه در زمینه های حفاظت از محیط زیست، حقوق بشر و زنان شاهد هستیم که تعداد سازمان‌های غیردولتی رو به فزونی است، اما هنوز بیشترین وزن در این بخش از آن سازمان‌های خیریه است. کهریزک نمونه بسیار خوبی از رشد و گسترش یک سازمان‌خیریه است که از نیروی داوطلب شروع کرده، و هنوز تکیه اصلی آن بر نیروی داوطلب است، اما با تکیه بر نیروی انسانی حقوق بگیر و کمک های مالی از منابع گوناگون پروژه های عظیم خود را پیش می برد.

سازمان‌های غیردولتی که فعالیت های آنها مربوط به خیریه نمی شود با مشکلات مشابهی روبرو هستند. اما حضور فعال و روزافزون زنان در جامعه و تمایل آنان به مشارکت بیشتر در جامعه، کمبود ابزار مشارکت آنان را در این بخش برجسته‌تر می نماید. از این رو، عدم حضور سازمان‌های غیردولتی جدی و موثر که بتوانند زنان را به طور هماهنگ برای مشارکت در امور توسعه و دموکراسی بسیج و سازماندهی نمایند، بیشتر احساس می شود.

جای تاسف است که مرکز امور مشارکت در این درک نادرست از «سازمان غیردولتی» تنها نیست. به نظر می‌رسد این باور نادرست در میان فعالین جامعه مدنی و کنشگران فعال سازمان های غیردولتی در ایران نیز گسترده است. این گفته های فعالترین و برجسته ترین چهره های فعال در سازمان های غیردولتی - که در زیر آورده می شود - نشان دهنده این واقعیت است که این فرهنگ در میان غیردولتی ها نیز رایج بوده و از سوی آنان تا حدودی پذیرفته شده است. در همین حال این گفته‌ها نارضایتی از این وضعیت را از زاویه‌های گوناگون آشکار کرده و روشن می سازد که اینگونه محدود کردن سازمان‌های غیردولتی به نیروی «داوطلب» و دسترسی نداشتن به منابع مالی و عدم استخدام نیروی انسانی، مانع جدی در راه رشد و گسترش این سازمان هاست.

از يك سو به علت بدبینی موجود امکان فعالیت اجتماعی کلاسیک حزبی و تشکیلاتی به شکلی که در خاطرات ما در گذشته دور هست و تعریف شده وجود ندارد و ضرورتاً به این نتیجه می توان رسید که گفتمان های کلان بی فایده شده است و تشکل های کلان ظاهراً غیرمفید هستند و به قول دوستان «کوچک، زیباست». بر این اساس باید براساس مطالبات

کوچک، موضوعات کوچک و آرمان های کوچک حرکت کرد... زمانی که فکر می کنیم عزیمت از کلان به کوچک شاید بتواند گوشی را جذب کند و اعتمادی را برانگیزد پس به این ضرورت می رسیم که NGOها خوب هستند چون آنها ادعای کمتری دارند و می توانند آدم ها را کنار هم بنشانند. ولی هنوز حتی کوچک هم با وجود این که می دانیم زیباست، قدرت بسیج کنندگی ندارد. با وجود این که پذیرفته ایم نهادهای مدنی خوب هستند، خوب بودنشان هنوز آنقدر نیست که دلی را بلرزاند حتی اگر مسئله ای مثل حقوق زندانیان مطرح باشد." (5)

«رئیس هیات مدیره {سازمان غیر دولتی} فقدان «تجربه کار جمعی»، «روحیه فعالیت های داوطلبانه» و «فراغت کافی» را سه مانع اصلی پیش روی نهادهای اینچنینی ارزیابی کرده و تاکید کرده است "باید کوشش شود این انجمن متکی به فرد یا افراد نباشد و به نهادی کاملاً جمعی تبدیل شود." (6)

"در کشور ما در برابر سازمان هایی که از کمک های دولتی بهره مند می شود همواره موضع گیری هایی وجود دارد و استقلالشان را مورد خدشه قرار می دهند." (7)

"کوشیده ایم به جای عضوگیری گسترده و بورکراسی گونه، به صورت پروژه ای عمل کنیم... اعضا هزینه ها را تقبل کرده اند و البته برای اجاره محل کتابخانه دست یاری به سوی علاقه مندان مسائل زنان دراز کردیم و آنها هم کمک های بسیاری به ما کردند. البته حتا برای اجاره جا هم زیر بار کمک مالی یک سازمان غیر دولتی هلندی که میخواست به ما کمک کند نرفتیم و از هیچ گروهی تا کنون پول نگرفته ایم." (8)

"متأسفانه حتی مدیران نهادهای دولتی هم درباره NGOها اطلاعات درستی ندارند، چه برسد به مردم عادی و ما بارها دیده ایم که معاونت های اجتماعی سازمانها تعریف درست NGO را نمی دانند و درباره کارکردها و وظایف آنها بی اطلاع هستند... نبود شناخت صحیح از NGOها، توقعات بیجا ایجاد می کند و ما ناچاریم به عنوان یک تشکل غیردولتی در چارچوب اساسنامه و مرامنامه خودمان کار کنیم. اما وقتی با پایگاههای بسیج و هیات های مذهبی مقایسه می شویم، فلسفه NGO زیر سوال می رود. این گروهها بودجه دولتی دارند ولی تشکل های غیردولتی نباید از دولت کمک مالی بگیرند در نتیجه ما مجبوریم از اهداف و برنامه هایمان دور شویم." (9)

بدین ترتیب می بینیم که اگر چه اهمیت حضور و فعالیت سازمانهای غیردولتی به تدریج در کشور ما برای همگان آشکار شده و بصورت ضرورتی انکارناپذیر برای تحقق دموکراسی و توسعه پذیرفته می شود، اما هنوز این نهادهای مدنی آنچنان که شایسته نقش آنهاست، در کشور ما رشد نکرده و پا نگرفته اند. بخشی از دلایل عدم رشد این سازمانها به فضای بسته

و فشارهای حاکمیت بر می‌گردد که فضا را برای اجتماعات تنگ کرده و چارچوب‌های تنگی را حتی برای فعالیت مدنی رسم می‌کند. اما انتظار می‌رود که بخش غیردولتی فعال با این فشارها مقابله نموده و با تفکر دولتی مبنی بر کوچک و محدود ماندن سازمانهای غیردولتی همصدا نشود.

البته باید این واقعیت را در نظر گرفت که اینگونه مشکلات خاص کشورما نیست، بلکه عموماً در فرهنگ کشورهای در حال توسعه وجود دارد و مانع از رشد موثر سازمانهای غیردولتی می‌گردد. بانک جهانی از جمله نقاط ضعف سازمان‌های غیر دولتی، موارد زیر را بر می‌شمارد:

(1) محدود بودن تخصص مدیریتی و اقتصادی

محدود بودن ظرفیت سازمانی

سطوح پایین خودپایداری (self-sustainability)

ایزوله بودن و فقدان ارتباطات و/یا هماهنگی بین سازمانی

عدم درک زمینه وسیع تر اجتماعی و اقتصادی

ریشه سه عامل اولی را در کشور ما می‌توان به تعریف محدود سازمانهای غیردولتی به نیروی داوطلب، و ناتوانی در جلب کمک مالی، یا در درک اهمیت جلب کمک مالی، جستجو نمود.

نکته قابل توجه این است که عکس این در کشورهای غربی مشاهده میشود که بخش عمده رهنمودها درباره راه اندازی یک سازمان غیردولتی، درباره استراتژی‌های موفق در زمینه جلب کمک مالی و استخدام نیروی انسانی است. در اینجا به عنوان نمونه، خلاصه ای از رهنمودهای گام به گام برای راه اندازی یک سازمانهای غیردولتی ارائه می‌شود. این رهنمودها توسط یک سازمان غیردولتی که با هدف یاری رسانی به دیگر سازمان‌های غیردولتی تشکیل یافته، تهیه شده است. (10)

• گام ۱: تشکیل هیات مدیره یا هیات امناء،

• گام ۲: یافتن نام مناسبی برای سازمان که پیشتر ثبت نشده باشد،

• گام ۳: ثبت سازمان،

- گام ۴: تهیه مقررات داخلی،
- گام ۵: تهیه سرمایه و جمع آوری کمک مالی،
- گام ۶: ثبت معافیت مالیاتی،
- گام ۷: تامین نیروی کار و وسایل دفتر،
- گام ۸: درخواست تخفیف پستی،
- گام ۹: بیمه کارمندان و سازمان،
- گام ۱۰: شبکه سازی و پیوند با دیگر سازمانها، موسسات و افراد.

پس از گام های ابتدایی مربوط به ثبت حقوقی سازمان، گام های ۵ تا ۹ در رابطه با تامین هزینه های مالی و نیروی انسانی است! انتخاب استراتژی برای تامین هزینه ها به شیوه های گوناگون از جمله استمداد عمومی برای یاری رسانی به سازمان، تبلیغات برای جلب کمک مالی، و یا برپایی برنامه های جمعی بدین منظور اگرچه درمیان سازمان های خیریه همواره مرسوم و موفقیت آمیز بوده است، اما برای دیگر سازمان های غیردولتی نامتعارف و ناآشناست. به همین ترتیب، پیشنهاد درخواست کمک از دولت و دیگر نهادهای خصوصی و دولتی و بین المللی هنوز در اکراه و تردید فراوان گم می شود و حتی بار منفی برای سازمان محسوب می گردد.

تامین هزینه های مالی و نیروی انسانی ضرورتی است که بدون تحقق آن سازمان غیردولتی نمی تواند به حیات و فعالیت پایدار ادامه دهد. تامین درآمد برای یک سازمان غیردولتی از طریق حق عضویت و جمع آوری کمک مالی به شیوه های گوناگون امکان پذیر است. با توجه به نقش پراهمیت سازمان های غیردولتی، امروزه دولت ها و نهادهای بین المللی در تامین بودجه این سازمان ها کمک می نمایند. در کشورهای غربی، قوانین جاری کشور امر کمک رسانی به این سازمان ها را از طریق معافیت مالیاتی تسهیل نموده و مردم و موسسات خصوصی برای آن بخش از درآمد خود که به این سازمان ها تقدیم می کنند، مالیات نمی پردازند.

مخارج اداری برای سازمان های غیردولتی در کشورهای پیشرفته یک واقعیت کاملاً پذیرفته شده است. در همین حال، این سازمان ها دفتر حسابداری خود را به روی اعضا و عموم مردم باز می گذارند. یکی از شیوه های بررسی عملکرد یک سازمان، مشاهده نسبت مخارج اداری به کل بودجه سازمان است. معمولاً بین ۱۰ تا ۲۰ درصد بودجه هر سازمان غیردولتی صرف

مخارج اداری - از جمله حقوق کارمندان و مسئولین اجرایی- می گردد. سازمان عفو بین‌الملل در سال ۲۰۰۰ مبلغی بیش از سه میلیون پوند، یعنی ۱۷ درصد از بودجه خود را، صرف مخارج اداری نمود. (11)

در کشورما تکیه بر نیروی داوطلب به حدی است که افراد داوطلب نه تنها وقت و انرژی، بلکه پول و سرمایه نیز می گذارند تا سازمان غیردولتی را تشکیل داده و راه ببرند. طبیعی است که چنین رویه ای نمی تواند به جذب وسیع افراد بیانجامد. در نتیجه، سازمان در اندازه بسیار کوچک باقی مانده، و حتی در اندازه کوچک نیز خودپایداری آن قابل تضمین نیست. چرا که سازمان نه تنها رشد وسیع ندارد، بلکه گاه با ریزش نیرو نیز مواجه می‌شود. طبیعی است که وقتی اعضای فعال مسئول تامین بودجه سازمان هستند، بودجه سازمان همواره بسیار محدود باقی مانده و حوزه عمل آن را نیز در نتیجه محدود می سازد. مجموعه این مشکلات به امر خودپایداری سازمان به شدت آسیب وارد می‌سازد.

امروزه تاثیرگذاری بر سیاست های دولتی و قوانین جاری کشورها یکی از اهداف اصلی و پایه های عمده کار سازمان های زنان در جهان است. ولی سازمان های غیردولتی زنان در کشور ما هیچگونه تلاشی برای تاثیر گذاری بر سیاست های دولتی و یا قانونگذاری انجام نمی دهند. به نظر می رسد که فضای حاکم سیاسی بر کشور تنها دلیل این کم‌کاری نیست و در واقع تا زمانی که این سازمان ها رشد و گسترش لازم را نداشته و نتوانند زنان را سازماندهی کنند، از نیروی لازم برای چنین کاری برخوردار نخواهند بود.

World Bank criteria: NGO World Bank Collaboration (1)

<http://docs.lib.duke.edu/igo/guides/ngo/define.htm>

Europa-The NGO Discussion Paper (2)

http://europa.eu.int/comm/secretariat_general/sgc/ong/index_en.htm

UNESCO Encyclopaedia Article 1.44.3.7 Non-Governmental Organizations (3)

(<http://www.staff.city.ac.uk/p.willetts/CS-NTWKS/NGO-ART.HTM>)

(4) سایت مرکز امور مشارکت زنان (<http://www.women.org.ir/static/mainpolicy>)

(5) سوسن شریعتی در مراسم «انتخاب هیئت مدیره جدید انجمن دفاع از حقوق زندانیان»،

روزنامه شرق، ۴ اردیبهشت ۱۳۸۴

(6) عمادالدین باقی در مراسم «انتخاب هیئت مدیره جدید انجمن دفاع از حقوق زندانیان»،
روزنامه شرق، ۴ اردیبهشت ۱۳۸۴

(7) امید معماریان، در گفتگو با «تنها زن ایرانی نماینده پارلمان هلند»، روزنامه شرق - ۲۷
خرداد ماه ۱۳۸۳

(8) فرناز سیفی در گفتگو با سایت «بیلی و من»

(9) رحیم محرمی راد، «تشکلهای غیردولتی جوانان ، ارگانهای فعال اما منفعل»، پایگاه
خبری دیده بانان جوان ، 23 فوریه 2005 (به نقل از خبرگزاری سینا - المیرا پیام شاد)

Hari Srinivas, "Starting an NGO/NPO", The Global Development Reseach Center (10)
(<http://www.gdrc.org>)

(11) فرهنگنامه قانون کار

(http://encyclopedia.laborlawtalk.com/Amnesty_International#Finances)